



داورزنی: ریاست فدراسیون جای کسب تجربه نیست

# به والیبال فکر می‌کنم نه خودم

محمدرضا داورزنی در شرایط حساسی قرار گرفته است. از یک طرف از دوران ریاست ۴ ساله او مدت زمان زیادی باقی نمانده و به زودی انتخابات این فدراسیون برگزار می‌شود و از طرف دیگر پیرویه انتخاب سرمربی تیم ملی آغاز شده است. داورزنی با حضور در تحریریه ایران ورزشی پاسخگوی سؤالات ما بود؛ سؤالاتی که پیش‌بینی می‌شد رئیس فدراسیون والیبال به برخی از آنها پاسخ ندهد اما داورزنی هیچ سؤالی را بدون پاسخ نگذاشت.

مهری رنجبر

روزنامه نگار

**قرار بود کادر فنی تیم ملی والیبال با الگوبرداری از ژاپنی‌ها تقویت شود اما کار به استعفاي پهلروز عطايي کشيده شد.**

شرایط ژاپن با ایران خیلی متفاوت است، امکانات ژاپنی‌ها با ایرانی‌ها خیلی فرق می‌کند. حجم سرمایه‌گذاری آنها روی رشته‌های متفاوت و نتایجی که در بازی‌های آسیایی گرفتند یا در رقابت‌های مختلف بسکتبال، هندبال، واترپلو و فوتبال خودشان را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری را به بهترین نحو انجام داده‌اند. محدودیت‌هایی که ما داریم فعلاً اجازه نمی‌دهد روش ژاپنی‌ها را اجرا کنیم. قطعاً در آینده اتفاق می‌افتد اما حالا شرایط را طبق واقعیت‌های کشور باید تنظیم کنیم. تلاش فدراسیون استفاده از مربیان تراز اول دنیا با سابقه و تجربه خوب است چرا که تفاوت مربیان ایرانی با خارجی، تجربه موفق در المپیک و لیگ ملت‌ها است. ما باید به سمتی برویم که در آینده این تفاوت زیاد نباشد. مردم از والیبال توقع عملکرد در سطح تیم‌های تاب دنیا را دارند تا بتواند دوباره تیم‌های بزرگ را در مسابقات مختلف قهرمانی، لیگ ملت‌ها و رقابت‌های معتبر شکست دهد. مردم حالا دیگر نمی‌پذیرند تیم ملی والیبال ایران در بازی با هر تیمی بازنده باشد. این مسأله شرایط را سخت می‌کند، چرا که حفظ تیم در سطح بالای والیبال دنیا راحت نیست. اما فدراسیون تلاش می‌کند تا با تغییر استراتژی، زمان بیشتری را صرف سرمایه‌گذاری روی مربیان ایرانی کند. ما باید با استفاده از مربیان تراز اول دنیا رنکینگ تیم را بالا ببریم و رضایت مردم را به دست آوریم تا در آینده شرایط استفاده از مربیان ایرانی فراهم شود. البته مربیان ایرانی کنار سرمربی خارجی در تیم ملی برای تجربه‌اندوزی کار می‌کنند اما واقعیت قصه، حالا باید برای ارتقای تیم به جمع تیم اول رنکینگ جهانی کار کنیم. هرچند آرمان فدراسیون همچنان قرار گرفتن تیم بین ۴ تیم اول دنیا و حضور قدرتمند در المپیک است. استراتژی فدراسیون استفاده از تجربه و دانش مربیان خوب دنیا است تا تیم ملی بازسازی شود و بتواند جایگاه قبلی‌اش در رنکینگ جهانی را به دست آورد.

**چند مربی گزینه‌های فدراسیون برای تیم ملی دارید؟**

ما فعلاً در حال بررسی مربیان خوب دنیا هستیم، البته با بعضی از آنها مذاکره کردیم و با بعضی هم در حال رایزنی هستیم تا یاب مذاکره را باز کنیم. مربیانی مثل آنتیگا، آلکنو، توتولو، آناستازی و استویچف در لیست ما هستند، حتی برخی‌ها که چراغ سبز نشان داده‌اند. لیست ما ۸ نفره است که بعضی از مربیان امکان حضور در ایران را ندارند و بعضی‌ها هم شرایطشان را باید بررسی کنیم. هر زمان به جمع‌بندی رسیدیم و برنامه گرفتیم اسامی آنها را به مردم می‌گوییم. به هر حال برنامه این مربیان باید در کمیته فنی بررسی شود و بعد از جمع‌بندی قطعی سرمربی تیم ملی را احتمالاً برای چهار سال معرفی می‌کنیم. او به احتمال زیاد هم سرمربی تیم ملی در المپیک پاریس خواهد بود و هم در المپیک ۲۰۲۸.

**به کسب سهمیه المپیک پاریس امیدوارید؟**

همه سعی فدراسیون این است که تیم ملی والیبال در المپیک ۲۰۲۴ حاضر باشد. هر چند کار کمی سخت شده، اما غیرممکن نیست و تلاش ما برای تحقق سومین سهمیه پیاپی المپیک است.

**تیم ملی آلمان بازیکن باتجربه‌ای مثل «گروه» را برای**

**انتخابی المپیک برگرداند، به نظر شما ما هم باید از**

**بازیکنان با تجربه استفاده می‌کردیم؟**

بعضی از تورنمنت‌ها برای بعضی کشورها مهم است، آنجایی که کشورها دنبال جوانگرایی و تجربه‌اندوزی نیستند. این مسأله را کشورهای بزرگ مثل آمریکا ثابت کرده‌اند. آمریکا دریافت‌کننده قدرتی ۳۷ ساله‌اش را آورد یا روسیه پاسور ۴۰ ساله‌اش را. یا برزیل پاسور قدیمی‌اش را به ترکیب اضافه کرد و در شرایط حساس از آنها استفاده کرد. یادم است ایتالیا در ورلدکاپ ژاپن ست اول و دوم را از ژاپن برد. ست سوم ۲۴-۱۹ ژاپن جلو بود. پاسور قدیمی‌اش را به زمین آورد و در خط سرویس با سرویس‌های پرشی، موجی و کنترلی امتیاز ۲۴-۲۴ شد. ایتالیا آن ست را ۲۷-۲۵ برد و همینطور دو ست بعدی را. سرمربی سابق تیم ملی ژاپن از شوک زیاد راهی بیمارستان شد. هیچ‌کسی فکر نمی‌کرد ژاپن هم ست برده را بیازد و هم دو ست بعدی را. ما در بدترین زمان تعویض می‌کنیم. در بعضی بازی‌های لیگ ملت‌های سال قبل هم این اتفاق افتاد و تیم مقابل ۷ امتیاز جلو بود اما باخت. تیم ما باید از تیم تک ستاره به پرستاره برسد و با برنامه بازی کند اما سرمربی ما در بدترین زمان تعویض می‌کرد. او پوریا حسین‌خانزاده را در بدترین زمان ممکن به زمین فرستاد، به جای اینکه زمانی بفرستد که راه را باز کند، در پوئن ۲۳ و پست غیرتخصصی‌اش به زمین می‌رود. البته زمانی هم سرمربی چاره‌ای نداشت، مثل بازی با اوکراین که در ست چهارم بعضی از بچه‌ها توان پریدن هم نداشتند.

**نمی‌شد برای بازی‌های آسیایی، ترکیب**

**اصلی به هانگزو نمی‌رفت و تیم برای**

**انتخابی المپیک آماده می‌شد؟**

پیش‌بینی این بود که ما با چین هم‌گروه می‌شویم، نظر عطایی هم این بود که بازی‌های

آسیایی در رنکینگ اثر ندارد، اما طلای تیم از نظر اعتبار والیبال، برای کاروان مهم بود. اگر تیم اصلی نمی‌رفت ریسک بود. بعد هم یک اختلاف‌نظر همیشگی بین مربیان وجود داشت و از طرفی طبق پیش‌بینی‌ای که داشتیم، قطر از آن گروه بالا می‌آمد، چین، ژاپن و کره همدیگر را حذف می‌کردند و ما در فینال با چین بازی می‌کردیم. با این پیش‌بینی، حرف رفتن از هانگزو به شهری بود که تیم یک ساعته به برزیل می‌رسید، درست همان مسیر تیم چین. برای ما طلای هانگزو مهم بود. البته باید در بازی‌های بعد بهتر کار کنیم چرا که یکسری رقابت‌ها را برای سال بعد جایه‌جا می‌کنند که با هم تداخل نداشته باشد.

**اگر مربی تیم ملی خارجی بود بهتر نتیجه می‌گرفت؟**

ما برای المپیک توکیو بهترین مربی خارجی را آوردیم. با تغییر نسل نباید در مدت ۶ ماه تا یک سال انتظار تحول جدی در نتایج داشته باشید، مگر اینکه با برنامه ۵-۴ ساله، فرصت به مربی بدهیم تا بازیکنانش را در رقابت‌های مختلف بشناسد و به ترکیب مناسب برسد. اما تیم ما در این دو سال به یک ترکیب ثابت نرسید.

**ایراد از کجاست، کادر فنی یا اقدامات مربیان قبلی که**

**باعث شد جایگزین‌های خوب برای ستاره‌ها نداشته**

**باشیم؟**

این مسأله جنبه‌های مختلف دارد. ما بازیکنان زیادی داشتیم که باید فرصت بازی پیدا می‌کردند. ما در دفاع وسط مشکلی نداشتیم، بچه‌هایی مثل علی‌اصغر مجرد را داشتیم یا طیب عینی که بی‌جهت او را از دست دادیم. طیب یکی از بازیکنان با فیزیک خوب بود که می‌توانست کنار علی‌اصغر مجرد عالی باشد. اما نفرزاده او را ناپود کرد، از بس که او را برای انتخاب باشگاهش اذیت کرد. حالا هم مهدی جلوه باید فرصت بازی پیدا می‌کرد. حسن ولاسکو ریسک‌پذیری‌اش بود. او روی جوان‌ها ریسک می‌کرد و به آنها فرصت می‌داد.

**اما روی ولاسکو فشار افکار عمومی نبود.**

این حرف درستی است. زمان ولاسکو ما اگر یک یا دو تیم را می‌بردیم نتیجه عالی بود و کسی انتظار سهمیه المپیک از تیم نداشت. فرصتی که ما به ولاسکو دادیم بیشتر از فرصتی است که به پهلروز دادیم. ما با ولاسکو سال‌های اول و دوم نتیجه نگرفتیم.

**آن موقع هم خیلی انتقاد بود.**

همین اکبر نائینی شروع به انتقاد کرد که ولاسکو پیر شده است. البته که ما ولاسکو را دوباره احیا کردیم اما موفقیت عوامل متعدد دیگری دارد. ما در زمان ولاسکو با سعید معروف نتیجه گرفتیم، بدون سعید معروف هم نتیجه گرفتیم. خیلی مهم است که کادر تیم برنامه داشته باشد. وقتی طرح عملیات برای کار داری، می‌دانی چه تکنیک و تاکتیک برای مقابله با تیم‌ها داشته باشی و کجا را تغییر دهی. تنها نباید از سرمربی توقع داشت. نقش دستیاران سرمربی هم خیلی مهم است.

سیچلو مکمل ولاسکو بود. سیچلو در تحلیل و آنالیز بازی فوق‌العاده بود. رقبای تیم ما با وجود ولاسکو، قبل از شروع بازی ۳ امتیاز به ما باخته بودند. ولاسکو با کاریزمایی که داشت خیلی خوب تیم را اداره می‌کرد. هیچ‌وقت

عصبانیتش را به تیم منتقل نمی‌کرد. یک بار من در بازی او را دیدم که کنار زمین خونسرد و آرام بود. وقتی بازی تمام شد، از عصبانیتش با لگد زیر سطل آشغال زد. او در جریان بازی آرام بود و حتی بازیکنان را آرام می‌کرد. البته که بعضی رفتارهای خاصی هم دارد، مثلاً قهر می‌کرد و وقتی ناراحت بود، خودش را در اتاق حبس می‌کرد.

**انگار سال اول تا اخراج او هم پیش رفتید؟**

نه، حرف از برکناری نبود. اصلاً بحث اخراج ولاسکو نبود. او سر قضیه انتخابی لیگ جهانی ۲۰۱۱ به من گفت اگر می‌شود به چین نرویم، پرسیدم برای چه؟ گفت آرش کشاورزی و آرش کمالوند مصدوم هستند و دریافت‌کننده خوب دیگری ندارم. گفتم ما سه مرحله است می‌خواهیم وارد لیگ جهانی شویم که نشده. نمی‌خواهم از صف لیگ جهانی خارج شویم. برو و اگر هم باختیم مهم نیست. تیم رفت و باخت. او به اصول خودش پایبند بود. سعید معروف و نادى را کنار گذاشت. به سعید گفت برای خودت بازی می‌کنی؛ برو هر وقت خواستی برای تیم بازی کنی برگرد. به نادى هم گفت تو به درد تیم ملی نمی‌خوری. او برای جام واکتر هم اصرار داشت سید، شهرام و یک بازیکن دیگر که دیر رسیدند را همراه تیم به لهستان نبرد. گفت یا آنها به لهستان می‌روند یا من و تیم ۹ نفره به لهستان رفت. من هم از تصمیمش حمایت کردم. با اینکه در پوستر جام واکتر عکس سید بود؛ اما ولاسکو معتقد بود بازیکن باید قبل از اینکه مربی وارد سالن شود، در زمین آماده تمرین باشد. خیلی در این زمینه اثرات مثبت روی بازیکنان داشت. اما بعد اتفاقاتی افتاد که بالاچار به کشورش برگشت و ما هم به درخواستش احترام گذاشتیم و موافقت کردیم برو.

**ما با اینکه با کواج نتایج بهتری گرفتیم اما نتوانستیم او**

**را درست مدیریت کنیم. چه بسا شاید می‌توانست مربی**

**موفق‌تری نسبت به ولاسکو باشد.**

کواج بزرگتر از ولاسکو نبود. آن روزی که کواج را انتخاب کردم دو سالی بود که مربی برتر لیگ سری A ایتالیا شده بود. البته کار در باشگاه با کار در تیم ملی متفاوت است. کواج وقتی آمد اصرار داشت دو دستیارش را با خودش بیاورد، مربیانی که سرآمد نبودند. ببینید ولاسکو هم وقتی آمد درخواست داشت چند نفر را با خودش بیاورد که ما گفتیم در ایران داریم. او شاک و تردید داشت، بنابراین به او گفتیم همکاریانش را باره وقت به تهران بیاورد، پائولو را برای آنالیزوری آورد، اما بعد نوید مشجری جایش را گرفت. دید نوید می‌تواند کار را انجام دهد. یک فیزיותרاپ آورد اما بعد علی‌فرهادی و سیامک افروزی جایش را گرفتند. ولاسکو معتقد بود که آنها می‌توانند کار را انجام دهند. انصافاً هم در این موضوع با ما خوب راه آمد. ولی سیچلو برایش جایگزین نداشت. با اینکه ما ۱۰-۱۲ نفر مربی به او معرفی کردیم اما یک روز کلافه آمد و گفت آنها دنبال اتیکت هستند نه کمک به من. طوری که یک روز تراکشوند گفته بود ترکیب تیم را برای فلان‌جا فرستاده، بدون اینکه از ما نظر بخواهد، من دیگر با او کار نمی‌کنم. آقایان دیگر هم همینطور. اما یکسری مثل رحمان محمدی‌راد و یکی، دو نفر کناری ایستادند و در دوره بعدی پیمان کبیری رضا تندروان اضافه شدند. مشکل ما با کواج سر این بود که

## خاکستری مثل داورزنی

آرش عبدی

روزنامه نگار

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث رشد والیبال ایران در طول ۳ دهه گذشته شد ثبات مدیریت است. از سال ۱۳۶۸ که محمدرضا یزدانی خرم رئیس فدراسیون والیبال شد تا به امروز تنها ۳ نفر این سمت را بر عهده داشته‌اند.

پس از رفتن یزدانی خرم به فدراسیون کشتی، محمدرضا داورزنی سکان والیبال ایران را در دست گرفت. داورزنی تا سال ۹۶ رئیس فدراسیون والیبال بود اما به



یکباره و در حالی که دوران ریاستش به پایان نرسیده بود راهی وزارت ورزش شد تا معاون مسعود سلطانی‌فر شود. جدایی او از فدراسیون والیبال چندان طولانی نبود و ۲ سال بعد یکبار دیگر روی صندلی‌ای که سال‌ها آن را در اختیار داشت تکیه زد. در کارنامه مدیریتی داورزنی موفقیت‌های زیادی به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آنها قهرمانی چند باره در آسیا، صعود به المپیک، موفقیت‌های تیم‌های پایه و لیگ ملت‌ها بود. ولاسکو را داورزنی به ایران آورد؛ مربی که محبوبیت عجیبی بین مردم ایران پیدا کرد و مربیانی که پس از او هدایت تیم ملی را بر عهده گرفتند نتوانستند گوشه‌ای از محبوبیت این آرژانتینی را به دست بیاورند. با این حال نقدهایی هم به عملکرد مدیریتی داورزنی در فدراسیون والیبال وجود دارد. فدراسیون والیبال در بحث زیرساخت‌ها نتوانست آنچه‌ای که باید رشد قابل توجهی داشته باشد و تمرینات تیم‌های ملی همچنان در سالن فرسوده این فدراسیون برگزار می‌شود. مشکلات اصلی فدراسیون برتر والیبال که بالاترین سطح مسابقات باشگاهی کشور محسوب می‌شود سال‌هاست ادامه دارد و تلاش و اراده جدی هم برای رفع آنها وجود ندارد. در طی سال‌های گذشته بیشترین تمرکز فدراسیون والیبال روی حضور در میادین معتبر بین‌المللی بوده و در این خصوص تعداد اعزام‌های این فدراسیون می‌تواند